اصل اولی در موارد دوران بین مقام انشاء و مقام مدیریت امتثال

استاد: ببینید موارد روشنی داریم. مثلاً اصول عملیه. بعداً می‌بینید که ضابطه‌هایی هم دارد. مثلاً هرگاه موضوع حکم ما شک و یقین است. حال مکلف؛ خب باید برِ مکلف حکمی شده باشد تا بگوییم در آن حکم شک داری یا در موضوع آن. یا به آن حکم یا به موضوعش یقین داری. این معلوم است که عبد مکلفی را که می‌خواهد امتثال کند را مدیریت می‌کند. اما مواردی‌که اینطور نیست، بحثش سنگین می‌شود. همین چیزی که شما می‌گویید روی عرض من مطمئن هستید، خودش یک نحو اصل است، نه عند التعارض. شما درست می‌گویید و من هم قبول دارم. یعنی در جاهایی که حال مکلف نمود روشنی ندارد و بلکه طبیعی آن مکلف میزان قرار می‌گیرد، اصل را بر همین می‌گذاریم. یعنی برای انشاء طولی است اما ثبوتی. نه مدیریت امتثال. این درست است. اما اگر تعارض شد چه؟ یعنی فضا، فضای شک و ظن نیست. فضا فضایی است که ریختش ریخت ثبوت است اما دو دلیل می‌آیند که متعارض هستند. به اینجا فکر بکنید. نمی‌توانیم بگوییم قاطع هستیم.

شاگرد: مثال آن را بیان می‌فرمایید؟

استاد: بله، وقت نافله ظهر چه زمانی پایان می‌یابد که دیگر فریضه ظهر را بخواند؟ می‌گویید قَدَمان؛ وقتی سایه شاخص، دو هفتم ازدیاد پیدا کرد دیگر نافله را رها کنید، آلآن فضلیت ممحض فریضه ظهر است. حالا دیگر بخواند. ریخت این ریخت مدیریت امتثال است؟ با ارتکازی که دارید بفرمایید. ای من، با وقت و قدم و تکوینیاتی که طبیعی کار است سر و کار دارد؟ توقیت، مدیریت امتثال است؟

شاگرد: ریخت قدمان مدیریت امتثال است. توقیت درجایی‌که می‌گوید این نماز، ظهر خوانده شود یا عصر خوانده شود همان انشائیات طولی مقام ثبوت است. اما آن جایی که برای احراز وقتی که در مقام ثبوت بوده می‌گوید دو قدم باشد.

استاد: نه، احراز آن نیست.

شاگرد۲: در اینجا قدمان مضبوط نیست.

استاد: مضبوط است. ولو در سال فرق می‌کند. مفصل بحث کردیم.

شاگرد۲: مضبوط نیست لذا به مدیریت امتثال می‌خورد.

استاد: در یک روز که مضبوط است. مثل مغرب. مغرب مضبوط نیست؛ مغرب امروز و فردا ساعتش فرق می‌کند. اما خود مغرب که مضبوط است. در هر روزی، قدمان هر محلی مضبوط است. نمی‌دانم شما که می‌فرمایید مضبوط نیست یعنی چه. و الا قدمان مضبوط است.

شاگرد۳: وقتی تکوین را می‌گوید همان انشاء ثبوت می‌شود.

استاد: بله، قبلاً صحبت شده که ایشان این را می‌گوید. ببینید ایشان به ارتکازشان می‌گویند وقتی قدمان می‌گویند نمی‌خواهد بگوید ظهر شده که بخوانی. دارد وقت فضیلت را می‌گوید. می‌گوید آن ظهری که اذا زالت الشمس دخل وقت الصلاتین اما لمکان الانفلة دو قدم صبر کن، بعد از آن فضلیت ظهر است.

شاگرد: ما اینطور می‌فهمیم که یک سری از احکام ثبوتی به‌صورت طولی شده حالا می‌خواهد در خارج بیاید.

استاد: اینجا هم اصل همان است. لذا اگر در رساله‌ها نگاه کنید ابتدا ثبوتی به ذهن می‌آید. ما آمدیم گفتیم جد امام صادق علیه‌السلام -حتی معروف بین شیعه و سنی- می‌گویند قدمان، اما امام علیه‌السلام می‌فرمایند النصف من ذلک احب الی! ما در مقام جمع بین دو دلیل بودیم که به جای اینکه بگوییم حالا تعارض است و از این روایت باید اعراض شود، عرض کردم می‌گوییم آن روایتی که قدمان را گفته برای مدیریت بوده.

بازبینی #1
ایجاد شده 8 ژوئن 2026 15:50:56 توسط ... .
به روزرسانی شده 8 ژوئن 2026 15:51:58 توسط ... .